

۶۰۰۰ سال پیش، در جنوب غربی ایران، در نزدیکی رود کارون، مردمانی زندگی می‌کردند که به «مردمان کهن» معروف شدند.

این مردمان به کشاورزی و دامپروری اشتغال داشتند و به تدریج به شهرنشینی پرداختند.

در دوره ساسانی، ورزش به یک فعالیت اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد.

در دوره اسلامی، ورزش به یک فعالیت مذهبی و اجتماعی تبدیل شد. در دوره صفوی، ورزش به یک فعالیت نظامی و نظامی تبدیل شد. در دوره قاجاری، ورزش به یک فعالیت تفریحی و تفریحی تبدیل شد. در دوره پهلوی، ورزش به یک فعالیت ورزشی و ورزشی تبدیل شد.

|                |               |               |
|----------------|---------------|---------------|
| <span></span>  | <span></span> | <span></span> |
| Saman Movahhed |               |               |

در آذرماه سال ۱۳۸۳ زنی در فراموشی و بی‌خبری در پاریس در گذشت که بی‌اغراق حقش بود تندیس‌اش را در یکی از خیابان‌های تهران می‌ساختند. منیر اصفا که او را با نام‌های منیر مهران و منیر جزنی هم می‌شناسند، زنی بزرگ و قدرتمند که در سال‌های دهه بیست سردبیر یکی از مهم‌ترین نشریات ورزشی ایران بود و در فضای مردانه ورزش و مطبوعات ایران در آن سال‌ها چنان مهم و تأثیرگذار بود که بی‌اغراق می‌توان نسل اول ورزشی‌نویسان ایران را فرزندان او خواند.

تشکیلات جهانی ورزشی‌نویسان هنوز یکصد سالگی خود را جشن نگرفته است و از این رهگذر می‌توان حدس زد که روزنامه‌نگاری ورزشی در ایران هم کم‌وبیش عمری در حد همین نود و یکی دو سال، کمی بالا و پایین دارد که البته مغشوش بودن اسناد و مدارک ما را از آغازین روزهای این شاخه از روزنامه‌نگاری بی‌اطلاع می‌دارد. چه اینکه حتی یک نسخه از نخستین نشریه ورزشی ایران که میرمهدی ورزش‌ده در سال‌های نخست این سده راه‌اندازی کرده بود در دست نیست و کسی نمی‌داند «مجله ورزش» که در سال ۱۳۰۷ انتشار یافت همان نشریه ورزشی است که ورزش‌ده در سال ۱۳۰۱ مجوزش را دریافت کرد یا خیر! با این حال حدفاصل انتشار نخستین نشریه

و روزنامه‌نگاری ورزشی در ایران، به یک سده می‌رسد.

«از آنجایی که ورزش و تندرستی اولین وسیله پیروزی در پیکار زندگیست، حزب پیکار در نظر گرفته برای

تشویق ورزش و حمایت ورزشکاران در روزنامه‌های خود ستون «نیرو و راستی» را باز کند اما چون کمیته مرکزی و کانون مطبوعات حزب دریافت که لازم است تشویق بیشتری از ورزشکاران به عمل آید، تصمیم گرفته شد که ستون «نیرو و راستی» توسعه داده شود و به صورت یک مجله ضمیمه روزنامه منتشر گردد. اینک به یاری خدا اولین شماره مجله به ضمیمه روزنامه «ایران‌ما» ناشر افکار حزب پیکار منتشر می‌شود. ما با کمال میل مجله ورزشی خود را زیر نظر آقای منوچهر مهران گذارده‌ایم که سوابق متد علم‌ی و عملی ایشان مورد تصدیق تمام دوستان و آشنایان به ورزش می‌باشد. ایشان به کمک عده‌ای از اعضای کمیته مطبوعات حزب این نشریه را اداره خواهند کرد. ما به همین وسیله از زحمات دوستان خود سپاسگذاری می‌کنیم. انتظار داریم که هم‌میهنان عزیز نیز با تذکر نواقص و رفع مشکلات کار، ما را یاری دهند.

مجله ورزشی «نیرو و راستی» در سال ۱۳۰۷ در تهران منتشر شد. این نشریه به‌طور منظم تا سال ۱۳۲۲ به‌طور منظم منتشر می‌شد.

منتشر می‌شد. شماره‌های فراوانی در این سال‌ها موجود است که تصویر قهرمانان باشگاه نیرو و راستی روی جلد این نشریه قرار گرفته است و گزارش‌های بی‌شماری از رویدادهای ورزشی باشگاه را می‌توان در صفحات مختلف آن جست. این مهم تنها به قهرمانان باشگاه هم محدود نمی‌شد و از جنبه تشویقی آن برای تهییج ورزشکاران آماتور هم استفاده می‌شد و گزارش‌های متعددی از تیم‌های رده‌های سنی و ورزشکاران آن زمان گمنامانی دیده می‌شود که بعدها به قهرمانان بزرگ این کشور بدل شدند. تأثیر مجله نیرو و راستی بر فضای ورزشی ایران چنان بود که در برهه‌ای مجموعه نیرو راستی قوی‌تر و مؤثرتر از سازمان نوپای ورزش ایران در آن سال‌ها فعالیت می‌کرد و از چنان اعتباری برخوردار بود که تیم‌های ملی بوکس و کشتی ایتالیا در دو مقطع مختلف به دعوت خانم منیر مهران راهی ایران شدند و به ورزشکاران باشگاه نیرو و راستی به رقابت پرداختند.

نخستین شماره نشریه نیرو و راستی به‌عنوان ضمیمه روزنامه ایران‌ما در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۲۲ منتشر شد. در تاریخچه مطبوعات ایران و در توصیف این نشریه آمده است: «این نشریه در ۲۰ صفحه به قیمت ۵ ریال و با جلد دو رنگ و طرحی از مبارزه بر سر تصاحب تاج زیتون و حرکت تند و شتاب‌ده از دو ورزشکار یونان باستان بر گرفته از کتاب «گرها رد کروز» رئیس اداره نگارش المپیک ۱۹۳۶ برلین به چاپ رسید. این مجله از سال ۱۳۳۰ به مدت دو سال به صورت ماهنامه منتشر شد.» اگرچه بعد از هفت شماره ضمیمه روزنامه ایران‌ما، نیرو و راستی خودش تبدیل به یک سازمان مستقل می‌شود اما همین پیوستگی با نشریه حزب پیکار در ایران و علقه و علاقه‌هایی که منیر و منوچهر مهران به جریان چپ در ایران داشتند در روند رشد و جذب مخاطب این نشریه و باشگاه بی‌تأثیر نبود و حتی در پایان سایه سنگین خود را بر سرنوشت این مجموعه بزرگ و تأثیرگذار ورزشی و مطبوعاتی ایران در آن سال‌ها انداخت.

اکنون هفتاد و دو سال از انتشار نخستین شماره نیرو و راستی می‌گذرد و باورش کمی سخت است که بپذیریم بیش از هفتاد سال پیش نشریه ورزشی در ایران چاپ می‌شده که سردبیرش زنی بوده که انتقادات تند و گزنده‌اش پس از المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی از کاروان ایران خاطر قدرتمندان را آزرده کرد. نشریه‌ای که علی‌رغم بی‌تجربگی فضای مطبوعاتی ایران در آن سال‌ها، خصوصاً فضای مطبوعات ورزشی، پایه‌گذار بسیاری از اسلوب‌ها و روش‌ها در مطبوعات ورزشی ایران بود. توجه کنید که نخستین گزارش ورزشی ایران سال ۱۳۳۷ از رادیو ایران و البته توسط روزنامه‌نگار بزرگ و جوانی که آن روزها کار مطبوعاتی‌اش را با همین مجله نیرو و راستی آغاز کرد به گوش مردم ایران رسید. عطاالله بهمنش خودش بعدها یکی از

نیرو و راستی؛ داستان پیشرو بودن در دهه بیست و سی

# توماری که با کودتا در هم پیچیده شد

گزارش‌های منوچهر مهران در مجله نیرو و راستی را دستمایه‌ای برای تحلیل نخستین گزارش نویسی فوتبال در ایران قرار داد که در ادامه آن را هم خواهید خواند. علاوه بر گزارش نویسی در نیرو و راستی، این نشریه چندین و چند سال پیاپی سالنامه‌های قطوری را برای عید نوروز منتشر کرد که به سالنامه‌های نیرو و راستی شهرت داشتند و به دلیل حجم زیاد مطالب و تنوع خاص‌شان طرفداران فراوانی داشتند. تحریریه نیرو و راستی با بضاعت اندک آن ایام هر سال چیزی نزدیک به ۱۴۰ تا ۱۶۰ صفحه ویژه‌نامه سال نو منتشر می‌کرد.

علاوه بر اینها شاید بتوان کار فوق‌العاده این نشریه را پوشش اخبار و رویدادهای ورزشی مهم جهان در آن ایام عنوان کرد. جایی که رویدادهای مهمی چون المپیک هلسینکی و المپیک رم برای ایرانیان با گزارش‌های مجله نیرو و راستی روایت می‌شد. با اینکه در آن سال‌ها ابزار ارتباط جمعی مانند این ایام فراگیر نبود با این حال می‌شد هر چند شماره یکبار تصویر یک قهرمان آمریکایی یا اروپایی را روی جلد نیرو و راستی دید یا گزارش‌های مختلفی از رشته‌های پررونق آن زمان مانند وزنه‌برداری، بوکس، کشتی و البته کمتر فوتبالیال دید که آن روزها تازه داشت جای خودش را میان مردم باز می‌کرد. یکی از گزارش‌های جذاب آن سال‌های نیرو و راستی گزارش برنامه‌های کوه‌نوردی و غارنوردی در ایران بود. منوچهر مهران که خود فردی ورزشکار و ورزش‌دوست بود ید طولایی در کوه‌نوردی داشت و یکی از پیشگامان کوه‌نوردی در ایران به شمار می‌رفت و با راه‌اندازی باشگاه نیرو و راستی رشته کوه‌نوردی را هم در کنار سایر رشته‌های این باشگاه راه‌اندازی کرد. خیلی از غارهایی که امروز به‌عنوان یکی از جاذبه‌های گردشگری در ایران به حساب می‌آیند آن سال‌ها به دست منوچهر مهران و تیم کوه‌نوردی نیرو و راستی کشف شدند که معروف‌ترینش غار کتله‌خور در زنجان است که یکی از غارهای بی‌نظیر ایران به‌شمار می‌رود. شاید آن بهایی که در نیرو و راستی به رشته‌ای چون کوه‌نوردی داده می‌شد را این روزها در هیچ کدام از نشریات ورزشی عمومی ایران نتوان دید. در واقع نوع نگاه ورزشی و مطبوعاتی به طبیعت‌گردی و بوم‌گردی که این روزها علاقه‌مندان و طرفداران زیادی دارد، آن سال‌ها در مجموعه نیرو و راستی با جدیت خاصی پیگیری می‌شد که می‌توان از مهم‌ترین ثمرات و محصولاتش به برادران امیدوار، دو جهانگرد معروف ایرانی اشاره کرد که در شرح احوالاتشان یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های سفرشان را به دور دنیا را پیوستن به باشگاه نیرو و راستی و شرکت در برنامه‌های کوه‌نوردی این باشگاه عنوان کرده بودند.

مهم‌ترین رویدادی که در تاریخ مجله نیرو و راستی پیش از کودتای ۲۸ مرداد رخ داد، مرگ ناگهانی منوچهر مهران، چهار سال پیش از انتشار نشریه نیرو و راستی بود. منوچهر مهران که مردی فرهیخته و ورزشکار بود از اهالی مشهد بود که به سال ۱۲۹۱ دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۱۸ به تهران مهاجرت کرد و به حزب پیکار پیوست و بنیان اولیه باشگاه نیرو و راستی در حزب پیکار را بنا نهاد و باشگاه پیکار را بنیان گذاشت

لوگوی نیرو و راستی تصویر یک شیر است که بر ستیغ کوهی با پیکانی در دست ایستاده و آفتاب هم از پس آن در حال تابیدن است. در توضیح این لوگو در نیرو و راستی می‌خوانیم: «شیر نشان نیرومندی، پیکان نشان راستی، خورشید نشان تندرستی و کوه نشان پیروزی». این لوگو را استاد محمد بهرامی طراحی کرده است. بهرامی که در سال ۱۳۰۵ در کوهپایه‌های رحمت‌آباد رودبار متولد شده بود پدری اهل فرهنگ داشت، خودش هم به نقاشی علاقه‌مند بود. استاد تحصیلات ابتدایی را در تهران در دبستان‌های خاقانی (خیابان شاهپور) و ناصر خسرو (خیابان ایران) گذراند. او از همان کودکی به نقاشی علاقه‌مند بود و پدر که استعدادش را شناخت، وی را به هنرستان هنرهای ملی (اداره صنایع مستظرفه) برد تا نقاشی بیاموزد. دوره متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر به پایان رساند و سپس وارد دانشکده هنرهای زیبا شد. بهرامی اهل ورزش هم بود و در باشگاه «نیرو و راستی» تمرین می‌کرد. زمانی که «منوچهر مهران» مدیر این باشگاه تصمیم می‌گیرد مجله «نیرو و راستی» را منتشر کند، چون می‌دانست بهرامی نقاشی هم می‌کشد، سفارش جلد مجله را به او می‌دهد. بهرامی هم شیر ایستاده‌ای را طراحی می‌کند. این طرح جلد را برای چاپ، به چاپخانه روزنامه اطلاعات که یکی از مجهزترین چاپخانه‌های آن زمان تهران بوده، می‌برند.

که بعدها از این حزب جدا شد و تبدیل به همین مجموعه نیرو و راستی شد. مهران شخصیت کاریزماتیکی داشت که افراد را به خود جلب می‌کرد و منش و آئین ورزشکاری را بر خلاف فضای رایج ورزشی در ایران ترویج می‌داد. بر خلاف فرهنگ زورخانه‌ای آن سال‌های ایران که پر از تناقض‌های عجیب و غریب بود مهران در باشگاهش آئین فوت و جوانمردی پایه گذاشت که عامل جذب بسیاری به این مجموعه شد. او همچنین تأثیر فراوانی در رشته‌های مختلف ورزشی در ایران داشت. علاوه بر کوه‌نوردی و غار‌نوردی علاقه فراوان او به پرورش اندام موجب شد تا او را یکی از بنیانگذاران این رشته در ایران بنامند. چه اینکه مسابقات زیباترین بدن هر بار در نشریه نیرو و راستی هم بر گزار می‌شد و هر چند شماره یکبار تصویر قهرمانی که به‌عنوان زیباترین بدن انتخاب شده بود در این نشریه چاپ می‌شد. بی‌شک منوچهر مهران ستون استوار باشگاه نیرو و راستی بود اما در مجله همه حرف‌ها را همسرش منیر می‌زد. کسی که از اولین شماره تا آخرین شماره نامش به‌عنوان سردبیر در نشریه چاپ شده و حتی بعد از مرگ ناگهانی همسرش به سال ۱۳۲۶

ویژه‌نامه آخر هفته

پرونده هفته

هم تا پایان کار نشریه در سال‌های دهه سی نام منوچهر مهران را در شناسنامه کار درج می‌کرد. منوچهر مهران در ۱۹ آذر سال ۱۳۲۶ و در حالی که هنوز بسیار جوان بود به یکباره و در اثر حمله قلبی در گذشت و جماعتی را در شوک و بهت مرگش فرو برد. پیکر او در مراسمی باشکوه در تهران تشییع شد و در گورستان قدیمی ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. تصویر سنگ قبر او همان شیر پیکان به دستی است که بر روی صخره‌ای ایستاده است. با مرگ ناگهانی منوچهر مهران تصور می‌شد که باشگاه و نشریه او هم از میان می‌رود اما حضور مؤثر و پر قدرت زنی که در روز باشکوه تشییع پیکر همسرش با صدای رسایی گفته بود «منوچهر! من در مرگت گریه نمی‌کنم؛ گریه نشان ضعف است و من ضعیف نیستم»، موجب شد تا باشگاه نیرو و راستی و نشریه نیرو و راستی با صلابت و قدرت بیشتری به کار خود ادامه دهد و بیش از شش سال پس از مرگ منوچهر مهران به کار خود ادامه دهد و روزهای پر فروغی را پشت سر بگذارد تا سرانجام در گرداب حوادث سال‌های کودتا تومارش در هم پیچیده شود.

سال‌های دهه بیست ایران سال‌های پا گرفتن جریان‌های روشنفکری و جریان‌های چپ در ایران است و منیر و منوچهر مهران از ارتباط و اتصال به این جریان‌ها هیچ ابایی نداشتند و همانطور هم که پیش‌تر گفته شد بدان وابستگی هم داشتند اما همین ارتباط سرانجام موجب شد تا آنها هم در جریان تندباد حوادث سال‌های دهه ۳۰ نتوانند از کوران حوادث جان سالم به‌د ببرند و از میان بروند. بدخواهان برای تسعایت از منیر مهران و تشکیلاتش حتی گزارش‌هایی مانند تمجید فراوان او بعد از المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی از امیل زاپتوک، دونده‌ا هل چکسلواکی را دستمایه انگ زدن سیاسی به او و مجموعه‌اش قرار دادند و در گرداب حوادث سال کودتا باشگاه و نشریه‌اش را از میان بردند. در نابودی باشگاه نیرو و راستی هم نام فردی در میان است که تاریخ ورزش ایران از او خوب و بدهای بسیار گفته است؛ تیمسار پرویز خسروانی، یکی از مؤسسين و بعدها رئیس پر آوازه باشگاه تاج! اگر فکر می‌کنید تنها انحلال و نابودی شاهین را در تاریخ ورزش ایران به خسروانی نسبت می‌دهند سخت در اشتباهید. بر اساس سخنانی که در افواه شنیده می‌شود خسروانی که در آن زمان به تازگی باشگاه تاج را به همراه چند تن دیگر تأسیس کرده بود به دلیل رقابتی که با باشگاه نیرو و راستی داشت از فرصت دست داده در روزهای کودتا استفاده کرد و این مجموعه را که انگ‌های سیاسی فراوانی هم به آن می‌چسبید از میان برداشت. امیر یآوری، بوکسور سابق تیم ملی ایران و از اعضای باشگاه نیرو و راستی نابودی این باشگاه را به شخص خسروانی نسبت می‌دهد و رقابت این دو باشگاه



را دلیلی برای این کار می‌بیند. او می‌گوید در آن زمان خسروانی و یارانش مدام تبلیغات می‌کردند که این باشگاه و نشریه به پاتوقی برای روشنفکران و توده‌ای‌ها تبدیل شده و در فرصت روزهای پریهاوی کودتا دستور تخریب و نبودی آن را گرفتند. در اینکه باشگاه نیرو و راستی بعد از کودتای ۲۸ مرداد دیگر وجود خارجی نداشت، شکی وجود ندارد اما برخی نقل قول‌ها عنوان می‌کنند که مجله نیرو و راستی تا سال ۱۳۳۷ به کار خود ادامه داد اگرچه در آرشیه‌های معتبری چون کتابخانه مجلس از سال ۱۳۳۳ به بعد دیگر هیچ اثری از شماره‌های این نشریه وجود ندارد.

این روزها شاید تعداد دختران ورزشی‌نویس ایران بیش از پنجاه تن باشند اما بی‌شک این نسل از روزنامه‌نگاران و روزنامه‌نگاران دیگر ورزشی ایران اتفاقات مهم حرفه خود را مدیون منیر مهران و نشریه نیرو و راستی هستند. یک نشریه پیشرو که بسیار جلوتر از زمان خود حرکت می‌کرد و نقش بزرگی در توسعه ورزش حرفه‌ای در ایران داشت.